

بی‌نظمی در مسابقات فوتبال پایه استان

بی‌نظمی در مسابقات پایه فوتبال استان حرف اول را می‌زند. هنوز دو هفته‌ای از این رقابت‌ها نگذشته که ناله مربیان و دست‌اندرکاران تیم‌های حاضر در این به اصطلاح مسابقات بلند شده است. نظم به معنی ترتیب، آراستگی، سامان و پیوستگی است. برای نظم سه مؤلفه مهم می‌توان نام برد: هدف، برنامه ریزی و رهبری و مدیریت. در هر کاری اگر هدف مشخص نباشد و برای آن برنامه ریزی درست، اصولی و علمی انجام نپذیرد و مدیریت کارآمد و کار بلد و عاشق، ناظر بر امور نباشد نظم در چنین امری رنگ می‌بازد و کارها بر طبق مراد پیش نمی‌رود و در نهایت نارضایتی همه کسانی که به نحوی با آن در ارتباط هستند فراهم می‌شود.

در حال حاضر انجام رقابت‌هایی تحت عنوان مسابقات فوتبال پایه استان در دستور کار هیات قرار دارد. در گام نخست نگاه کوتاه به تعداد تیم‌های حاضر در این مسابقات خود گواهی روشن و واضح و آشکار از وضعیت فوتبال در سطح استان می‌تواند باشد.

در رده جوانان 5 تیم حاضر هستند. از خلخال و مشگین‌شهر هر کدام یک تیم و سه تیم از اردبیل. در رده نوجوانان تعداد تیم‌های شرکت‌کننده 6 تیم است. 2 تیم از پارس‌آباد و 4 تیم از اردبیل. در مقطع سنی نونهالان 3 تیم حاضر هستند که هر سه از شهرستان اردبیل می‌باشند و در زیر 15 سال 5 تیم به رقابت خواهند پرداخت که گویا همه تیم‌ها از اردبیل هستند.

تعداد تیم‌ها و وابستگی آنها به شهرستاران‌های مختلف نشان می‌دهد که کفگیر فوتبال به ته دیگ خورده است. با وضعیت موجود چگونه می‌توان پذیرفت که هیات فوتبال استان اردبیل در سطح کشور در جایگاه دوم قرار گرفته است؟ در استانی که در مسابقات به اصطلاح لیگ استانی‌اش در رده نونهالان فقط سه تیم حاضر می‌شود و آن هم فقط از یک شهرستان آیا نباید ادعا کرد که فاتحه این رشته در استان از خیلی وقت‌ها پیش خوانده شده است؟

چه کسانی به فوتبال اردبیل خیانت کرده‌اند؟ منتقدان بر اساس کدام سند و مدرک مقابل پیشرفت و شرکت تیم‌ها در مسابقات را گرفته‌اند که تا می‌خواهند حرفی بزنند و سخنی بگویند به خیانت متهم می‌شوند؟ آنهایی که کورکورانه و به خاطر منافع شخصی سنگ برخی‌ها را به سینه می‌زنند چگونه می‌توانند به راحتی بخوابند و در مقابل

وجدان نشان احساس شرمندگی نکنند؟
کمیتة امور استان های فدراسیون چگونه می تواند از فوتبال استانی
طرفداری بکند که در رده نونهالانش فقط سه تیم در مسابقات شرکت
کنند؟

ادعای حاکم نبودن نظم در این رقابت ها به آسانی و با ذکر یک یا
دو مورد قابل اثبات است.

در هفته ای که گذشت دو بازی به دلیل نبود آمبولانس و پزشکیار لغو
شده است و یک بازی دیگر که طبق برنامه قرار بود در ساعت 14 در
ورزشگاه علی دایی برگزار شود به دلیل حاضر نشدن به موقع داوران و
ناظر بازی با دو ساعت تاخیر انجام شده است.

بازیکن نوجوانی که حداقل از ساعت 13/30 در ورزشگاه بدون صرف نهار
حاضر باشد و تا ساعت 16 بلا تکلیف در زمین گرسنه و تشنه در انتظار
تشریف فرمایی داوران و ناظرین به سر ببرد چگونه می تواند در
مسابقه شرکت بکند و این رفتار مسئولین چه سان قابل توجیه می
باشد؟ آیا در این کارها می توان آثاری از مولفه های نظم از جمله
هدف، برنامه ریزی و مدیریت را مشاهده کرد؟

پیام یکی از حاضرین در ورزشگاه در روزی که به خاطر عدم حضور
داوران و ناظرین بازی با دو ساعت تاخیر برگزار شده می تواند
خواندنی باشد:

“به استحضار همه دوستان می رسانم بازیهای دیروز رده پایه با 2
ساعت تاخیر و بدون حضور هیچ کدام از مسئولین برگزار کننده انجام
گرفت و جای بسی تاسف دارد که هیچ کدام از مسئولین حتی به تلفن
خود هم جواب ندادند”

“تاسف بیشتر از تن دادن بعضی از همکاران به این بی نظمی بود من
که نفهمیدم منظورشان از این کارها چی بود”.

“به نظر شما از لحاظ کارشناسی نشستن بچه های نونهال در اون شرایط
جوی به مدت سه ساعت و بعد انجام بازی می تواند به صلاح باشد.”
آیا باز هم می توانیم ادعا بکنیم که خدمات انجام یافته در شش سال
گذشته از زحمات کشیده در 30 سال گذشته برتر است؟
در این ارتباط باز هم سخن خواهیم گفت.